



واقعیت‌های علمی

فصلنامه علمی و پژوهشی

زمانی که در اقتصاد کینزی تابع سرمایه‌داری نسبت به نرخ بهره کاملاً بی‌کشش و در بازار پول کینزی تابع تقاضای پول نسبت به نرخ بهره کاملاً با کشش باشد منحنی تقاضای کل شیب نزولی خود را از دست می‌دهد و کاملاً بی‌کشش می‌شود و بنابراین شیب بی‌نهایت پیدا می‌کند.

تابع سرمایه‌داری نرخ بهره کاملاً با کشش نرخ بهره کاملاً بی‌کشش، تابع تقاضای پول، منحنی تقاضای کل نزولی و شیب بی‌نهایت این اصطلاحات ریاضیک مربوط به قسمتی و تنها قسمتی از چکیده یک مقاله اقتصادی است که می‌خواهد در ارتباط با چندال بین مکتب کینزی و مکتب کلاسیک درباره شکل منحنی تقاضا و به عبارت ساده‌تر نحوه انجام تقاضا بحث‌هایی را ارائه دهد که در ضمن در زمره مسائلی است که اخیراً میان کلاسیک‌ها و کینزی‌ها به اصطلاح جدید شکل گرفته است.

در طول تاریخ شکل‌گیری علم اقتصاد کارایی و ریاضیات مهم‌ترین مسائلی بوده‌اند که این علم با آن درگیر بوده است. درگیری ذاتی اقتصاد با اعداد و محاسبات راه ورود ریاضیات به اقتصاد را باز می‌کرد و اقتصاد با استفاده از ریاضیات خود راه به عنوان علم تثبیت کرد. به واقع این جریان با تشکیل دولت‌های ملی از یک سو و تغییر انگیزه فعالیت و هدف‌های اقتصادی که قبل از قرن پانزدهم در اروپا تابع اصول مذهبی و اخلاقی از سوی دیگر بود تغییر کرد. این مسیر طلا و نقره اهمیت زیادی پیدا کردند و به تبع آن محاسبات و مبادلاتی که در جهت مهبت شدن نراز بازرگانی بوده به شدت افزایش یافت و این نقطه آغاز برای شکل گرفتن علم اقتصاد به شیوه امروزی آن است. در ادامه نیز تلاش‌هایی که آدام اسمیت، ریکاردو، ژان باتیست سه و دیگر علمای کلاسیک برای شرح مباحثی چون ارزش مبادله توزیع ثروت و اشتغال کامل و نظریه تولید و داشتند، اقتصاد به تدریج در مسیر پارک ریاضیات افتاد. اما در این میان تضادی میان واقعیت و کارایی و روابط جبری و ریاضی ایجاد شد و مشکلاتی که اقتصاددانان بررسی می‌کردند با روش ریاضی تعریف و تبیین می‌شد و آنچه با این روش وفق نمی‌یافت، صرفاً کنار گذاشته

می‌شد.

واسطی لتونیف در این باره می‌گوید اشتیاق بی‌دلیل به فرمول‌بندی ریاضیاتی، اغلب باعث می‌شود که محتوای ناپایدار مباحث پشت نماز عظیم علاقم جبری پنهان شود. لتونیف برای اولین بار با ارائه الگوهای داده و مستانده که کاملاً بر مبنای ریاضیات و فرمول‌بندی‌ها و جدول ماتریسی است، توانست جایزه نوبل اقتصاد را به دست آورد.

به هر حال اقتصاد قربانی گرایش استیلائی و سبیل (ریاضی) بر هدف شد و در این زمان بود که نظریه اقتصادی به سمتی رفت که جهان را این گونه که می‌خواهد و باید باشد و نه آن گونه که هست به تصویر می‌کشد. به عنوان مثال اگر بخواهیم عقاید اسمیت و سه را ارزیابی کنیم، می‌بینیم که هر دو بر این عقیده بودند که تعقیب منافع شخصی بر منافع جامعه می‌افزاید و از طرف دیگر آن‌ها می‌پنداشتند که در سیستم سرمایه‌داری و در شرایط معین اقتصاد همیشه در تعادل اشتغال کامل قرار می‌گیرد و بیکاری غیر ارادی وجود ندارد.

در ادامه نیز نگاه اقتصاددانان به انسان تغییر یافت و انسان اقتصادی به موجودی موهوم تبدیل شد که صرفاً تمایل به تملک ثروت داشته و در پی کسب حداکثر سود بود و عقلانیت وی تنها مبنی بر تشخیص کارایی نسبی نراز برای حصول به نتیجه تملک ثروت است.

اگر چه اکثر اقتصاددانان می‌گویند که تا آن جا که ممکن است نظریاتی را ارائه دهند که به واقعیت نزدیک بوده و حل مشکل کنند، اما به هر ترتیب از کارایی و واقعیت در اقتصاد تعاریف جدیدی ارائه شد. از سوی دیگر ریاضیات آنچنان در جان این علم رخنه کرده که منطبق اقتصاددانان نیز در چنال میان واقعیت ناپایدار و جمود چیر پیمان به سوی ساده‌لکاری سوق داده شد.

به عنوان مثال تحلیل فشر مهم‌ترین مرجع بازارهای مالی آمریکا در ارتباط با تکرارهای پیش آمده از اولین نوسانات بازار سهام در اکتبر ۱۹۲۹ جالب توجه به نظر می‌رسد. فشر عنوان می‌کند که اقتصاد آمریکا ذاتاً قوی است و نباید نگران نوسانات بود چرا که به خاطر ممنوعیت فروش مشروبات الکلی و تأثیرات سوء خماری صبح دوشنبه از میان می‌رود و بهره‌دهی کارگران بالا رفته و اثرات شغف‌بخشی خواهد داشت. به جرأت می‌توان گفت که امروزه تلمسی مقالاتی که در زمینه مباحث و نظریات اقتصادی ارائه می‌شود بر پایه یک رابطه ریاضی، جدول‌های داده و مستانده و نمودارهای پیچ در پیچ IS-LM شکل گرفته‌اند و در مجموع این فرآیند منجر به خنق زبانی شد که تنها اقتصاد خوانده‌ها می‌توانند آن را بفهمند و بیان زبان سخن یگویند و بدین ترتیب شکلی از ساخت قدرت ایجاد شد که علاوه بر بستن راه اقتصادهای خارج از حوزه اقتصاددانان باعث شد تا در درون نیز کسانی که سررشته‌های اقتصاد دانسته تنها با توسل به زبان ریاضی و اقتصاد بتوانند به نقد نظریات بپردازند. در این زمینه می‌توان به انتقادات مارکس بر اقتصاد کلاسیک اشاره کرد که بسیاری از اقتصاددانان بعد از مارکس نظریات او و انتقاداتش را جدی نگرفتند و آن دسته از اقتصاددانان که نظریات مارکس را مطالعه کرده بودند، وی را از کلاسیک‌های نسل سوم دانستند. به هر ترتیب این روند شکلی از قدرت را در درون محافل اقتصادی زنده کرد که با احساس حقانیت همراه بود و نتیجتاً نظریات اقتصادی از تغییرات متداول دیگر شاخه‌های علوم انسانی مصون ماندند و تغییرات ایجاد شده در آن نیز همواره بر مبنای واقعیت فرضی و باز تولید شده در اقتصاد است.

تئوری‌های اقتصادی در خلال این جریان رشد آنباشنه‌ای داشتند و از طریقی یا تغییرات زیادی در طول حیات این علم همراه نبودند. با این اوصاف شرح و تفسیر نظریات اقتصادی به جز در حوزه داخلی اقتصاد خواننده‌ها کار تقریباً مشکلی به نظر می‌رسد، اما به هر ترتیب در این نظم پراشوب نیز می‌توان مباحثی را یافت که هنوز چندین جهت تأثیر قدرت ریاضیات قرار نگرفتند و توجه به هدف را بر وسیله ترجیح می‌دهد.

در سال‌های اخیر در این زمینه اتفاقات مهمی در جهت تغییر نگاه نسبت به فروشی و بنیان‌های علم اقتصاد رخ داده است. این تغییرات به خصوص در حوزه اقتصاد خرد نمود بیشتری داشته است. از جمله این رخدادها می‌توان به ظهور اقتصاد آزمایشی و اقتصاد تکاملی اشاره کرد.

اقتصاد تکاملی

تکامل فرآیندی است که طی آن تغییرات درون‌زا در یک سیستم باز اتفاق می‌افتد. نظریات تکاملی در اقتصاد مدیون اقتصاددانانی همچون اسمیت، هابک و دانشمندان مانند داروین و علم زیست‌شناسی و نیز اقتصادهای آزادگراست. عدای اقتصاد دارند مفهوم تکامل در اقتصاد از نظریه تکامل داروین در زیست‌شناسی گرفته‌اند. تکامل در این نظر مفهوم تکامل اولین بار در قرن هجدهم در آثار دیوید هیوم، آدام اسمیت، ویکنور و نیکسو و ولتر دیده شده و از سوی دیگر اندیشمندان سطوح در علم اقتصاد نیز تأثیرات زیادی را بر روی این گرایش گذاشته‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به کارل مارکس و ویلن اشاره کرد.

اقتصاد تکاملی در سه سال گذشته آبهام تازه‌تری به خود گرفته و در سال ۲۰۰۵ میلادی نیز نظریه‌های جدیدی در خصوص اقتصاد تکاملی و نقش آن در خرده‌بازارهای اقتصادی مطرح شد. بیشترین کارکرد اقتصاد تکاملی نیز در بازارها نمود پیدا می‌کند، چرا که اقتصاد تکاملی اعتقاد دارد تئوری‌های اقتصادی واحدی برای تمامی جوامع و فرهنگها یکسان و صادق نیست و تفاوت‌های فرهنگی و رفتاری باید در فرسبم تئوری‌های جدید لحاظ شود و از سوی دیگر لازم است با تغییر تاریخ و تکامل بیولوژیکی انسان در طول زمان نظریه‌های اقتصادی نیز تغییر کرده و خود را متناسب با تکامل نرادی و رفتاری انسان‌ها تکامل دهند.

اقتصاد آزمایشی

رویکردی در علم اقتصاد وجود دارد که آن را به هندسه نزدیک می‌کند. به این معنی که در ابتدا فرضی را از قبل می‌پذیرد و بر اساس آن دستگاه فکری‌اش را طراحی می‌کند. که در برابر این روش اقتصاددانان ارتدوکس روش دیگری در سال‌های اخیر شکل گرفته که معتقد به حذف فروشی اساسی علم اقتصاد و بررسی تجربی رفتار بنگاه‌ها، مصرف‌کنندگان و مدیران شرکت‌ها هستند. این دسته از اقتصاددانان معتقدند که مواردی مانند فرض انتخاب عقلایی، کسب حداکثر سود و دیگر فروشی که در علم اقتصاد وجود دارد به نسبت توسعه‌یافتگی کشورها تغییر و کاهش می‌یابند. سایمون یکی از اقتصاددانانی که در زمینه اقتصاد آزمایشی، تحقیقات موثری را انجام داده است با راز این فراتر گذاشته و با بررسی رفتار مدیران چندین کارخانه در آمریکا نشان داد که حتی فرض کسب حداکثر سود در آمریکا نیز صدق نمی‌کند و مدیران بیش از آن که به دنبال کسب حداکثر سود بنگاه تحت مدیریتشان باشند، در فکر منافع شخصی هستند.

نتایج این آزمایش‌ها گاه شگفت‌انگیز نیز می‌شوند. به عنوان مثال هنگامی که مدیران یک شرکت آمریکایی در ستاجه سقوط هواپیما کشته می‌شوند، میزان سود شرکت مذکور به طرز شگفت‌انگیزی رشد می‌یابد. از طرف دیگر مطالعه رفتار مصرف‌کنندگان در اقتصاد آزمایشی نیز باعث برجسته‌تر شدن وجه چندمنظمی اقتصاد شده است.

اما این روش با مقاومت‌های بسیاری در سال‌های اخیر مواجه شد و بالاخره در سال گذشته توانست به دانشگاه‌های آمریکا راه پیدا کند.

اقتصاد آزمایشی به واقع از روش‌های تحقیق آزمایشگاهی برای مطالعه رفتار تصمیم‌گیری افراد در چارچوب اجتماعی که تحت کنترل قوانین آشکار یا پنهان است، استفاده می‌کند. طراحی آزمایش‌ها در اقتصاد آزمایشی از طریق دو مفهوم کاملاً متمایز از یک نظم عقلانی صورت می‌پذیرد. کنار گذاشتن یا تکرار هر یک از این مفاهیم را نباید به عنوان امری غیر عقلانی تفسیر کرد.

به هر حال مفهوم نخست از یک نظم عقلانی از مدل‌گنونی اجتماعی - اقتصادی مشتق می‌شود که به قرن هجدهم بازمی‌گردد و هابک آن را عقل گرایی ساخت گرامی نامد.

مفهوم دوم نظم عقلانی برآمده از نظم اکولوژیک طراحی‌شده‌ای است که به سرون از فرآیندهای تکاملی بیولوژیک و فرهنگی ظاهر می‌شود.

اقتصاد آزمایشی برای طراحی آزمایش‌ها پیش به دنبال کشف نظم نوظهوری است. به هر ترتیب اقتصاد آزمایشی راهی نیست تا حداقل از هر قسمتی از زبان‌های بسیار مهمی که در مطالعه رفتار انسان‌ها در اقتصاد وجود دارد، هابی یافت.